



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۴ ■ اردیبهشت ۱۴۰۰

نوجوان
کلاف



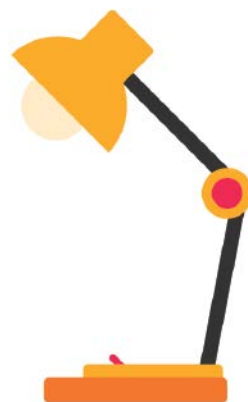
محمد کفیلی



پژوهش
محمد طائب

یک پرونده جمع و جور برای رابطه نوجوان و کتاب به

لذت خواندن در



در عصر ما قبل از کرونا، نمایشگاه بین المللی کتاب هر سال اواسط اردیبهشت ماه برگزار می شد، نمایشگاهی که با توجه به تاثیر کرونا بر کشور، سی و سومین دوره آن با ۹ ماه تاخیر در بهمن سال گذشته برگزار شد و زمان برگزاری سی و چهارمین دوره آن که در شرایط عادی باید همین روزها و در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ برگزار می شد، هنوز مشخص نیست. دسترسی آسان به عنوان کتاب ها با سلیقه های مختلف، قیمت مناسب خرید با توجه به تخفیف ها و بن های دانشجویی

بخواهیم یا نخواهیم این که چقدر اهل مطالعه ایم، نشان می دهد جامعه ما چقدر رشد فرهنگی داشته. مثلاً کشورهایی مثل ژاپن و شبه جزیره اسکاندیناوی، خیلی اهل مطالعه هستند و همین باعث شده در جهان به وجهه فرهنگی شان شناخته شوند. اما شاید برایتان جالب باشد که سه کشور اول با بیشترین آمار مطالعه در جهان به ترتیب، هندوستان، تایلند و چین هستند؛ با میانگین ۹ ساعت مطالعه در هفته. متأسفانه آمار دقیقی در مورد نرخ مطالعه در ایران وجود ندارد. اعداد متفاوتی اعلام شده که بازه اختلاف آنها از فاصله شوت مهدی قایدی تا دروازه الاهلی عربستان بیشتر است. آمارهای ضدونقیضی که در آنها سرانه مطالعه هر ایرانی بین ۱۲ الی ۷۰ دقیقه در روز متغیر است. آمارها نشان می دهد در خوشبینانه ترین حالت که محال است، سرانه مطالعه هر ایرانی در هفته نزدیک به ۸ ساعت است و در حالت بدبینانه، سرانه را باید ۱۴ دقیقه در هفته، در نظر گرفت که فاجعه است. البته همین تناقض در آمار، از رسمیت این آمار کم می کند. باید این واقعیت را پذیرفت که فرهنگ کتابخوانی در وضعیت موجود به مراتب بدتر از فرهنگ رانندگی مان است و تنها اقشار خاص جامعه، کتاب جایگاهی در سبک زندگی شان دارد.

بد نیست سری هم بزنید به جدول مربوط به چند انتشارات که در صفحه ۷ آورده ایم.

نیازهای اولیه هر انسان را که همه می دانیم؛ خوراک، پوشاک و مسکن. قطعاً این را هم شنیده ایم که غذای روح کتاب است. سبد هزینه های یک خانواده ها را که بررسی کنیم می بینیم، کتاب جایگاهی در این سبد خرید ندارد. نتیجه می گیریم که ۹۰ درصد مردم جامعه به روح اعتقاد ندارند!

به خاطر دارم زمانی که نمایشگاه کتاب برگزار می شد، صف سیب زمینی سرخ کرده، بیشتر از صف خرید آخرین کتاب نویسندگان خوب کشور بود. این حجم از عدم توجه به غذای روح، در طول سال و در سطح شهر، اختلافش بارها و بارها، بیشتر از نمایشگاه کتاب است. اما کاش باور می کردیم که کتاب به اندازه نان و پنیر و روغن و گوشت، باید در سبد خرید خانواده باشد. به گونه ای که اگر یک شب بدون کتاب سرمان روی بالش رفت تا صبح نتوانیم چشم روی هم بگذاریم. آن هم نوجوان هایی که بیشتر از همه نیاز به همین نوع تغذیه روحی دارند و البته وقت بیشتری هم برای آن. بهتر است در این مورد چشم نوجوان ها به دست والدین شان نباشد چون بعید می دانم اغلب آنها هم اهل مطالعه باشند.

گفتیم یکی از دلایل استقبال از نمایشگاه کتاب، قیمت های نسبتاً مناسب و تخفیف های آن بود. آمار نشان می دهد تنوع انتشارات در حوزه های مختلف در سال های گذشته افزایش یافته اما مساله ای که بیش از تنوع کتاب ها رشد کرده، قیمت کتاب هاست. قطع شدن سهمیه کاغذ ناشران، تحریم ها، بالا رفتن قیمت ارز، گرانی لوازم جانبی چاپ و در کنار همه اینها چند برابر شدن قیمت کاغذ نسبت به سال های گذشته باعث شده تهیه کتاب برای اقشار کم درآمد، دانشجویان و دانش آموزان دشوار شود و احتمالاً باید به زودی منتظر کارشناسانی باشیم که می گویند همان طور که لازم نیست گوشت و مرغ بخوری، لازم نیست کتابخوانی، مدرسه بروی و چیزی یادگیری!

حالا مقایسه کنید شرایط کتاب را با این که امروز یک نوجوان با صرف هزینه ۳۰ هزار تومان، می تواند هگایگ اینترنت بخرد و ه فیلم دانلود کند، ولی در حال حاضر با ۳۰ هزار تومن آیا می شود کتاب مناسبی را خریداری کرد؟

یکی از دلایل کتاب خواندن کشف گزاره های حکمت آمیز است که دریچه های تازه ای را در زندگی به رویمان بگشاید.

اصولاً بشر مایل به حکمت است. منتها در انتخاب نوع آن، متفاوت است. حتی خیلی توهم حکمت وجود دارد و فکر می کنیم لزوماً هر جمله ای که در آن از کلمات قلمبه سلمبه خارجی استفاده شود، حتماً حکمت آمیز است. بگذریم که خیلی از ماها معیار درستی هم برای مقایسه اندیشه های گوناگون را نداریم.

حتماً در فضای مجازی هم بارها دیده اید پست هایی با جملات قصار. اینکه اصلاً تعلق آن جملات به افراد راست است یا دروغ؛ یا اینکه اصلاً به شرط راست بودن چقدر این

جملات با معیارهای منطقی جور در می آیند، یا حتی به این هم کار ندارم مخاطب این جملات را با تحلیل می پذیرد یا صرفاً یک سلیقه.

موضوع مهم چیز دیگری است و آن، این است که ما با این جملات کوتاه می شویم، خام می شویم! تازه خیلی اوقات هم آن جمله حتی به ظاهر هم منتسب به یک فیلسوف یا اندیشمند نیست که دلمان خوش باشد لااقل.

این حس میل به حکمت ما، متأسفانه روزانه با هجوم هزاران محتوای خبری مجازی، ارضا می شود. حتی به غلط! فقط این مهم است که او حالا بهانه ای برای نخواندن کتاب هست.